

جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی زبان

محمدجعفر جوادی ارجمند □

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مرتضی اسمعیلی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۴ - تاریخ تصویب: ۹۱/۲/۱۸)

چکیده:

تغییر شرایط و مطرح شدن مولفه های جدید و تاثیر گذار در عرصه بین المللی باعث شده است تا کشورها برای پیشبرد هر چه بهتر منافع ملی خود، به نقش دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی اهمیت بسیار قائل شوند. نوشتار حاضر با تمرکز بر جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان در صدد پاسخگویی به دو سوال ذیل است: آیا جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان دیپلماسی عمومی را مورد توجه قرار داده است؟ و دیگر اینکه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان چه تاثیری بر روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با این کشورها داشته است؟ فرضیه راهنمای این پژوهش عبارت است از اینکه در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب، اهتمام به دیپلماسی عمومی در روابط با سایر کشورها از جمله کشورهای فارسی زبان در دستور کار بوده است و به کارگیری این نوع دیپلماسی در روابط با دو کشور افغانستان و تاجیکستان موجب گسترش روابط در حوزه های چهارگانه: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی شده است.

واژگان کلیدی:

دیپلماسی عمومی، کشورهای فارسی زبان، افغانستان، تاجیکستان.

مقدمه

عبارت «دیپلماسی عمومی» (Public Diplomacy) در حوزه مطالعات روابط بین الملل اصطلاحی است که در دهه ۱۹۶۰ عمده‌تاً برای توصیف جنبه‌های جدید دیپلماسی بین المللی رایج شد. اصطلاح دیپلماسی عمومی نخستین بار در سال ۱۹۶۵ در ایالات متحده آمریکا بوسیله آدموند گولین (Admund Gullion)، رئیس مدرسه «حقوق و دیپلماسی فلچر» در دانشگاه «تافتز» به کار گرفته شد و عبارت است از ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی.

دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع رسانی یا تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است. ابزار اصلی آن انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است (Wolf and Rosen, 2004:5). بر اساس تعریفی دیگر از چارلز کیگلی (Charles W. Kegly)، دیپلماسی عمومی به نوعی شکلی جدید از تبلیغات است که به معنای گسترش نظام مند اطلاعات به منظور تاثیرگذاری بر افکار عمومی است. وی ابزارهای نفوذ کشوری بر کشور دیگر را به دو دسته رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌کند. بر این اساس دخالت آشکار نظامی زیر بخش نفوذ رسمی و کمک اقتصادی، کمک نظامی، دخالت پنهان اطلاعاتی و در نهایت نفوذ آشکار یا دیپلماسی عمومی زیر بخش نفوذ غیر رسمی بر شمرده می‌شود (آشنا، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۲۰). به طور کلی، دیپلماسی عمومی شامل دو بعد دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانه‌ای/دیجیتال می‌شود که این دو به همراه ابزارها و شاخصه‌های خود روی هم کلیت دیپلماسی عمومی را شکل می‌دهند. دیپلماسی عمومی از طریق اقداماتی مانند انتشار کتاب و تشکیل کتابخانه‌ها، پخش رادیو و تلویزیونی بین المللی، برنامه‌های مبادلات آموزشی و فرهنگی، آموزش زبان، نمایشگاهها و جشنواره‌های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی و اجرایی به خارج از کشور، ایجاد پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی، مجلات الکترونیک، برنامه‌های سخنرانی و سی‌دی، برگزاری سمینارها و جلسات با تجار خارجی و چهره‌های شاخص دانشگاهی، تولید فیلم، تئاتر، مبادله استاد و دانشجو، خبرنگاران اعزامی و صورت می‌گیرد.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در روابط بین المللی و سیاست خارجی خود همواره بعد مردمی و عمومی این گونه روابط را وجهه همت خود قرار داده و از ابتدا در کنار روابط رسمی با دولت‌های دیگر در جهت تبیین اهداف و دست آوردهای خود و مقابله با تبلیغات رسانه‌ای و رفع اتهامات علیه کشور و ارائه تصویری صحیح از خود در جهان از یکسو و پیشبرد منافع ملی و تحقق سیاست خارجی از سوی دیگر به ارتباط با افکار عمومی کشورهای دیگر توجه ویژه داشته است. در بررسی قانون اساسی و

همین طور سند چشم انداز بیست ساله اشاره به دیپلماسی عمومی در موارد متعدد مشاهده می شود. هر چند باید این نکته را مدنظر قرار داد که این اشاره و تاکید به لحاظ مفهومی کلی و از لحاظ لفظی، واژه دیپلماسی عمومی مورد اشاره قرار نگرفته است.

در پژوهش حاضر تلاش بر این است که با توجه به اشارات متعدد به دیپلماسی عمومی در روابط جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها در متون بالادستی از یکسو و بستر مساعد کشورهای فارسی زبان به لحاظ تاریخی و فرهنگی در جهت پذیرش این نوع نوین دیپلماسی از سوی دیگر، به این سوال پرداخته شود که جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان دیپلماسی عمومی را مورد توجه قرار داده است یا خیر؟ و همین طور این سوال که دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان چه تاثیری بر روابط (منظور از روابط سطوح چهارگانه؛ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) با این کشورها داشته است؟ فرضیه راهنمای این پژوهش این خواهد بود که در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از فردای پیروزی انقلاب با توجه به ماهیت مردمی خود، اهتمام به دیپلماسی عمومی را در روابط با سایر کشورها از جمله کشورهای فارسی زبان در دستور کار داشته است و این نوع دیپلماسی با کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان موجب گسترش روابط با این کشورها در حوزه های سیاسی، اقتصادی- تجاری، امنیتی، فرهنگی و نظامی شده است.

در انجام این پژوهش ابتدا تلاش خواهد شد تا جایگاه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار گرفته و سپس به تعریف عملیاتی کشورهای فارسی زبان پرداخته شود. در قسمت بعد به رئوس اقدامات جمهوری اسلامی ایران منطبق با شاخصه های دیپلماسی عمومی در این دو کشور اشاره خواهد شد و سپس با مدنظر قرار دادن ۵ معیار برقراری روابط دیپلماتیک، رفت و آمد متقابل هیات های سیاسی، مواضع مشترک سیاسی، مبادلات اقتصادی و تجاری، رفت و آمد متقابل هیات های علمی و فرهنگی به ارزیابی تاثیر دیپلماسی عمومی ایران بر روابط با کشورهای فارسی زبان پرداخته خواهد شد و در نهایت نتیجه گیری ارائه می شود.

۱- دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران

۱-۱- قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در ج.ا.ا.

قبل از ورود به بحث دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به این نکته پرداخته می شود که قدرت نرم به مثابه پیش زمینه به کارگیری دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی

می باشد. اما سوالی که مطرح می شود این است که آیا اساساً انقلاب ها به طور عام و انقلاب ایران به گونه ای خاص واجد عناصر قدرت نرم می باشند یا خیر؟

برای پاسخ به سوال فوق باید به سوالی فرعی تر پاسخ گفت؛ مبنی بر اینکه آیا بین انقلاب و قدرت نرم رابطه ای وجود دارد؟ اساساً قدرت نرم بزرگ ترین سرمایه انقلابیون و انقلاب هاست و شاید به همین دلیل است که «نای» به قدرت نرم انقلاب فرانسه اشاره کرده است (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۲). قدرت نرم انقلاب ها «بیش از وادار ساختن یا توانایی به تحرک در آوردن مردم با استدلال است؛ بلکه توانایی جذب مردم به گونه ای است که اغلب به رضایت و تسلیم شدن آنها منجر می شود» (<http://www.soft.com>) (power.com).

شاید بتوان با قاطعیت عنوان کرد که انقلاب به معنای کامل کلمه تجلی گاه قدرت نرم و غلبه آن بر قدرت سخت رژیم حاکم است. هم از این روست که جوزف نای در جایگاه نظریه پرداز اصلی قدرت نرم معتقد است: «در بعضی مواقع آنهایی که مدیریتی بر عهده دارند، نیرویی تحت فرمان دارند و یا سرمایه ای در اختیار دارند، قدرتمندترین افراد محسوب نمی شوند. اینجاست که انقلاب ها معنی می یابند» (نای، ۱۳۸۲: ۱۶). در انقلاب ها، قدرت نرم انقلابیون بر قدرت سخت رژیم های مستقر غلبه یافته و مستولی می شود. قدرت انقلاب ها، قدرتی مردمی و غیر رسمی است که ریشه در ایدئولوژی انقلاب، دیپلماسی عمومی فوق العاده انقلاب، کاریزمای رهبر یا رهبران انقلاب، ارزش های بنیادین انقلاب، اندیشه های نو و بدیع انقلاب و توانمندی ها و ظرفیت های فرهنگی آن است. به عبارت دیگر، قدرت انقلابیون در برابر قدرت رسمی، گسترده و سخت نظام های مستقر، قدرت نرم آنهاست و انقلاب اسلامی ایران نیز از این مقوله مستثنی نیست.

قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران نیز همچون سایر انقلاب های بزرگ، انکارناپذیر است. خصوصاً اینکه به قول نای در جهان امروز «جنبش های مذهبی سازمان یافته نیز مانند کلیسای کاتولیک رم از جمله بازیگران عرصه قدرت نرم هستند» (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۶).

علاوه بر عوامل فوق، چند عنصر دیگر نیز باعث تقویت قدرت نرم کشورها می شود که در این میان جمهوری اسلامی ایران نیز از این عوامل برخوردار است. از جمله، موقعیت ایدئولوژیک، مناسبات و مبادلات فرهنگی، تبلیغ آرمان ها، ارزش ها و اهداف متعالی، ترویج زبان و ادبیات، کسب جایگاه و موقعیت علمی پیشرفته و فناوری های تکنولوژیک، قدرت نظامی و تسلیحاتی، ایفای رسالت تاریخی متناسب با موقعیت جهانی و سطح انتظار در شرایط مختلف، برخورد مناسب و اتخاذ مواضع مقبول در برخورد با بحران های بین المللی، توان رویارویی سریع و درخور در برخورد با توطئه ها و تهدیدات تضعیف کننده داخلی و خارجی و قدرت خنثی سازی تبلیغات مسموم (نای، ۱۳۸۳: ۱۰۰). ایران با توجه به پیشینه تمدنی، تاریخی،

فرهنگی و مذهبی خود از منابع قدرت نرم مناسبی در مقایسه با بسیاری از کشورها برخوردار است که در صورت توجه و برنامه ریزی برای هدفمند کردن و بهره برداری از منابع بالقوه می تواند یکی از کشورهای موفق در کاربرد دیپلماسی عمومی در منطقه و جهان باشد (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). به طور کلی می توان منابع قدرت نرم ایران را در چهار بخش ذیل دسته بندی کرد: ۱. تمدن و فرهنگ؛ ۲. اسلام و شیعه؛ ۳. اقتصاد؛ ۴. رفتار سیاسی.

آنچه در قدرت نرم اهمیت پیدا می کند؛ دیپلماسی عمومی کشورهاست؛ یعنی دیپلماسی ای که هدف آن جذب قلوب و افکار مردم کشورهای دیگر و همراه سازی آنان- و نه لزوماً دولتمردان و سیاستمداران آنها- با سیاست های خود باشد. لذا می توان گفت نقطه تمرکز سیاست های قدرت نرم معطوف به مردم و افکار عمومی است. با در نظر گرفتن این احتمال که افکار عمومی توانایی همراه ساختن سیاستمداران و صحنه گردانان سیاست خارجی آن کشور را نیز دارند؛ می توان از قدرت نرم به عنوان عاملی موثر و به مراتب پایدارتر در تغییر سیاست های کشورها نام برد. دیپلماسی عمومی قدرت نرم را به عمل واداشته و حالت بالفعل به آن می دهد. در واقع می توان گفت که کاربرد قدرت نرم در سیاست خارجی را دیپلماسی عمومی می گویند. با توجه به مطالب فوق باید عنوان کرد که جمهوری اسلامی ایران لااقل از نظر پتانسیل های لازم برای اعمال دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی خود با وفور این منابع روبه رو است؛ به نحوی که دستگاه سیاست خارجی را قادر می سازد با پشتوانه ای قوی اعمال و اجرای دیپلماسی عمومی را در دستور کار خود قرار دهد.

سیاست خارجی، راهبرد یا یک رشته اقدامات برنامه ریزی شده است که تصمیم گیرندگان یک کشور در راستای نیل به اهدافی خاص که بر پایه منافع ملی تعریف شده اند؛ در ارتباط با سایر کشورها یا موجودیت های بین المللی به مرحله اجرا می گذارند (Plano and Olton, 1988: 6). سیاست خارجی مبتنی بر دو عنصر بنیادین و کلیدی است: ۱- اهداف و منافع ملی؛ ۲- ابزار نیل به اهداف و منابع مزبور (Coulombis and Wolfe, 1981: 89). دیپلماسی مهم ترین ابزار و راه نیل به این اهداف و منافع محسوب می شود (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۳۵). وظایف دیپلماسی از مدیریت روابط خارجی در حوزه های سیاسی، امنیتی، مالی، اقتصادی و حتی فرهنگی برای حل مشکلات کشور و کسب منافع ملی در عرصه خارجی قابل شمارش است که علاوه بر مسائل دوجانبه، دیپلماسی چندجانبه نیز بر اساس همان شیوه ها و فرآیندهای دیپلماتیک در خدمت منافع ملی و تامین و صیانت آن به کار گرفته و بدین ترتیب مفهوم دیپلماسی نوین ظاهر می شود (Barston, 2006: 87). ایران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی توانست از قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره ببرد؛ به ویژه که رسالت انقلاب اسلامی فرهنگی بود و با شعارها و ویژگی های مشخص اسلامی- مردمی در منطقه و جهان معرفی شد و توانست در

میان بسیاری از مردم کشورهای مختلف از جمله کشورهای اسلامی طرفدارانی داشته باشد (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰:۱۵۳). از آنجا که گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اخلاق تاکید دارد در این حالت از توانی جذب کننده برخوردار است و می تواند از طریق دیپلماسی عمومی، قدرت نرم ایران را تقویت کند (Sharp, 2005: 115).

استفاده از ابزار دیپلماسی فرهنگی در تاریخ ایران سابقه طولانی دارد. این نگرش نشانگر عظمت فرهنگ و تمدن ایران است که حتی قدرتهای غالب نظامی را نیز به لحاظ فرهنگی مغلوب ساخته است و یا در دوره اسلامی بر خلاف اعراب که اسلام را به زور شمشیر گسترش دادند؛ ایرانیان از طریق روابط فرهنگی و تجاری به گسترش اسلام در آسیای مرکزی و شرق آسیا مبادرت ورزیده اند (متولی، ۱۳۸۸: ۸۰).

سابقه به کارگیری دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران به سال های اولیه انقلاب باز می گردد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورها و حکومت های متخاصم بر مبنای اولویت و ارجحیت رابطه با ملتها، از دیپلماسی عمومی و مردمی سود برد. از این رو، تعامل با گروه های غیر دولتی و جنبش های آزادیبخش در منطقه در دستور کار دیپلماسی ایران قرار گرفت. همچنین صدور مسالمت آمیز به معنای اشاعه آرمان ها و ارزش های انقلاب اسلامی نیز جایگاهی رفیع در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران یافت (همان: ۱۸۲). در همین راستا «مسئله صدور انقلاب، بیش از آنکه در مخالفت با نظام های سیاسی موجود بین المللی باشد، بر صدور ارزش های فرهنگی انقلاب، بیداری و آگاه سازی ملتهای تحت ستم و بنیادهای فکری، ذهنی و فرهنگی تاکید می کند» (دهقانی، ۱۳۸۸: ۴۰۹).

دیپلماسی عمومی طبق تعاریف گفته شده اشتراکات و شباهت های زیاد با اصل صدور انقلاب دارد تا آنجا که برخی آن را همان اصل صدور انقلاب قلمداد می کنند. به عبارت دیگر چنین می توان گفت: «بحث دیپلماسی عمومی در ایران چندسالی است که با این عنوان به کار می رود، اما باید گفت که دیپلماسی عمومی ایران با انقلاب اسلامی آغاز شد و بحث صدور انقلاب همان دیپلماسی عمومی است» (اصغریان کاری، ۱۳۸۹: ۴۰). چراکه هدف در دیپلماسی عمومی مانند صدور انقلاب، عموم جامعه است و مردم در کانون محوری آن قرار دارند.

لذا به اعتقاد نگارندگان دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، فرآیندی است که از طریق آن دولت ایران ارتباطات و روابط مستقیم با مردم یک کشور خارجی برقرار می کند تا منافع ملی را توسعه و تامین کند و ارزش های خود را در آن جامعه اشاعه و گسترش دهد. یا به بیان دیگر، دیپلماسی عمومی، فرآیند ارتباط جمهوری اسلامی ایران با عموم مردم کشورهای دیگر جهت شناساندن اندیشه ها، آرمان های ملی، معرفی نهادها، فرهنگ و هنجارها و تبیین اهداف و سیاست های خود است.

با وجود تعاریف متعدد و متفاوت از دیپلماسی عمومی، ویژگی‌ها و ابعاد دیپلماسی عمومی ایران را می‌توان در چند گزاره و اصل بنیادی خلاصه کرد: نخست، در دیپلماسی عمومی بر خلاف دیپلماسی سنتی، هدف مرجع یا مخاطبین، عموم مردم در جوامع دیگر و به ویژه گروه‌های غیررسمی از جامعه مدنی است. ویژگی دوم دیپلماسی عمومی، شفافیت، بازبودن، انعطاف‌پذیری و همکاری جویانه بودن آن است. سومین شاخصه و بعد دیپلماسی عمومی ایران معطوف به اهداف آن می‌باشد. هدف اولیه و اصلی دیپلماسی عمومی تاثیرگذاری بر افکار و اذهان مخاطبین غیر دولتی و شکل‌دهی به افکار عمومی جهت هماهنگ‌سازی دیدگاه و ایستار آنها نسبت به اهداف و سیاست‌های ج.ا.ا. است. بعد چهارم دیپلماسی عمومی، ابزار، وسایل و شیوه‌های اعمال و اجرای آن در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی است (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۱۱-۲۰۸). البته به این نکته نیز باید توجه داشت که بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران به لحاظ اشتراک بین ابزارها و شاخصه‌های این دو از همپوشانی روابط فرهنگی و دیپلماسی عمومی سخن می‌گویند (بیات، ۱۳۸۹: ۳۰).

در این راستا، انقلاب اسلامی ایران نه تنها از ابتدا از قدرت نرم بسیار گسترده برخوردار بوده، بلکه جمهوری اسلامی ایران از همان سال‌های اولیه انقلاب توجه به دیپلماسی عمومی در راستای استفاده از پتانسیل‌های قدرت نرم خود را در سیاست خارجی در دستور کار قرار داده است و از این رهگذر همواره این بعد از دیپلماسی را مدنظر داشته است. در حال حاضر بخشی از فعالیت‌های برخی از نهادها و سازمان‌های دولتی را می‌توان در چهارچوب دیپلماسی عمومی تعریف کرد. بحث دیپلماسی عمومی در ایران با عنوان دیپلماسی فرهنگی، در محافل سیاسی بیشتر معنا پیدا می‌کند (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). در سیاست خارجی ج.ا.ا. دیپلماسی عمومی را می‌توان مترادف با مسئولیت‌ها و مأموریت‌های فرهنگی قلمداد کرد. با پذیرفتن این مطلب و در جهت تشخیص کارگزاران دیپلماسی عمومی در عرصه سیاست خارجی ج.ا.ا. باید عنوان کرد که این مسئولیت تاکنون برعهده سه نهاد بوده است؛ هرچند در گذر زمان تغییراتی در میزان مسئولیت‌های این نهادها ایجاد شده است. این سه نهاد عبارتند از: وزارت امور خارجه، وزارت ارشاد اسلامی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی. با تأسیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سال ۱۳۷۴ همه مسئولیت‌ها و مأموریت‌های فرهنگی ج.ا.ا. در خارج از کشور بوسیله نمایندگی‌های فرهنگی تحت پوشش این سازمان انجام می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۶۹).

بدین ترتیب، عمده فعالیت‌های ایران در عرصه دیپلماسی عمومی بوسیله سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی سازماندهی و دنبال می‌شود و وزارت خارجه نقش مکمل برای آن دارد. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از نظر سازمانی وابسته به وزارت ارشاد اسلامی است اما

به نحوی مستقل عمل می‌کند(اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی). با این حال و برغم اختلاف نظرها، نگارندگان در پژوهش حاضر کارگزاران دیپلماسی عمومی ج.ا.ا. را وزارت امور خارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی قلمداد می‌کنند که به اعتقاد بسیاری در این بین کارگزار اصلی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی می‌باشد که این مهم را از طریق نمایندگی های فرهنگی و به طور خاص رایزنی های فرهنگی در کشورهای دیگر انجام می‌دهد.

۲- دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان

جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری بود که استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخت و روز ۲۱ ژانویه ۱۹۹۲ سفارت خود را به طور رسمی در شهر دوشنبه افتتاح کرد. به این مناسبت، هیات بلندپایه سیاسی و فرهنگی ایران به ریاست نماینده ویژه رئیس جمهور و معاون وزیر امور خارجه وقت ج.ا.ا. به این کشور سفر کرد (رسولیان، ۱۳۸۲: ۶). در اینجا تلاش می‌شود به عنوان مهم ترین فعالیت های صورت گرفته بوسیله سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، متولی اصلی دیپلماسی عمومی ایران و منطبق با شاخصه های دیپلماسی عمومی پرداخته شود. رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان یکی از فعال ترین نهادهای فرهنگی ایران در خارج از کشور است. اعزام هیات های فرهنگی و هنری، برنامه ریزی برای همایش های مشترک، مشارکت در برنامه های فرهنگی که بوسیله دستگاه های فرهنگی کشور تاجیکستان ساماندهی می‌شود، اطلاع رسانی فرهنگی، همکاری با نهادهای فرهنگی و تشکل های مردمی، برگزاری دوره های آموزشی مختلف از فعالیت های این رایزنی است. رایزنی فرهنگی ج.ا.ا. در دوشنبه دارای بخش های زیادی است و فعالیت های بسیار انجام می‌دهد از جمله:

الف: کتابخانه رایزنی؛ کتابخانه رایزنی فرهنگی با حدود ۵۰۰۰ جلد از کتاب های مرجع زبان فارسی، دیوانهای شعرا، ادبیات داستانی، متون دینی از غنی ترین کتابخانه های موجود در تاجیکستان برای تهیه کتاب های مورد نیاز مراجعه کنندگان است.

ب: بخش سمعی و بصری؛ در این بخش مجموعه ای از فیلم های سینمایی، فیلم های مستند، موسیقی ایرانی، سریال های تلویزیونی، نرم افزارهای رایانه ای در دسترس است که فرهنگ و تمدن ایرانی را معرفی می‌کنند. در بخش آموزش رایزنی کلاس های آموزش خط نیاکان، قرآن مجید و دوره های آموزش ایران شناسی و... دایر است که در مقاطع گوناگون به مراجعه کنندگان خدمت عرضه می‌کنند.

ج: چاپ و نشر؛ بخش چاپ و نشر کتاب از بخش های مهم رایزنی است باتوجه به پیوندهای دیرین دو کشور و نیاز جامعه تاجیکستان به کتابهای علمی و مفید رایزنی تاکنون بیش از ۵۰ پنجاه جلد کتاب به خط فارسی و سیرلیک در موضوعات مختلف منتشر کرده است. همچنین رایزنی مجله رودکی را به صورت فصلی منتشر می کند که این نشریه با تخصصی شدن به صورت یکی از منابع مورد اعتماد علمی محققان تاجیک در آمده است.

د: سایر فعالیت ها؛ در این بخش برنامه های متنوع طراحی و اجرا می شود که برخی از آنها عبارتند از: روزهای فرهنگی مشترک، برگزاری مراسم و مناسبت های مذهبی و... از دیگر فعالیت های رایزنی است که با حضور ایرانیان مقیم و شخصیت های علمی و فرهنگی تاجیک برگزار می شود (dushanbe.icro.ir)

۳- دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان

در خصوص کشور افغانستان نیز جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی عمومی را از طریق سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و به واسطه نهادهای ذیل به انجام می رساند: نمایندگی فرهنگی ایران در کابل که در سال ۱۳۵۳ تاسیس شد (بیات، ۱۳۶۵: ۱۰۲)؛ دانشگاه ایرانی شعبه/واحد دانشگاه پیام نور در کابل جهت تکمیل طرح اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان افغانی (بیات، ۱۳۸۹: ۱۹۸)؛ مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی که در جلسه ۱۳۸۲/۰۶/۲۶ هیات وزیران به تصویب رسید (روزنامه رسمی کشور، شماره ۱۷۱۳۷: سال انتشار ۱۳۸۲)

علاوه بر مراکز یاد شده نهادهای زیر نیز در این کشور فعالیت دارند: دفتر نمایندگی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در کابل، دفتر نمایندگی انتشارات بین المللی الهدی در کابل، دفتر سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور در کابل، دفتر مرکز جهانی علوم اسلامی در کابل. مرکز ایران شناسی و مطالعات ایرانی در انجمن تاریخ یکی از دو شعبه آکادمی افغان به شمار می رود و در سال ۱۳۳۳/۱۹۵۴ تاسیس شده است و مطالعات مربوط به تمدن و فرهنگ ایرانی و افغانی انجام می دهد. در تابستان ۱۳۸۳ اتاق ایران شناسی در دانشگاه کابل افتتاح و آغاز به کار کرد. مرکز آموزش زبان و ادبیات فارسی و کرسی زبان و ادبیات فارسی در دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل دایر است (بیات، ۱۳۸۹: ۳۳۲-۳۳۱).

در یک جمع بندی کلی می توان دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان را شامل مولفه هایی چون تولید فیلم، تئاتر، مبادله استاد و دانشجو، انتشار کتاب و تشکیل کتابخانه ها، پخش رادیو و تلویزیونی بین المللی، برنامه های مبادلات آموزشی و فرهنگی، آموزش زبان، نمایشگاه ها و جشنواره های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی و اجرایی به خارج از کشور، ایجاد پایگاه ها و سایت های اینترنتی، مجلات الکترونیک، برنامه های

سخنرانی و سی دی، برگزاری سمینارها و جلسات با تجار خارجی و چهره های شاخص دانشگاهی و ... دانست.

۴- ارزیابی عملکرد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان

۴-۱- تاجیکستان

در جهت ارزیابی عملکرد دیپلماسی عمومی ج.ا.ا. در کشورهای فارسی زبان تاجیکستان و افغانستان تلاش می شود تا با محور قرار دادن پنج مولفه برقراری روابط دیپلماتیک، تبادل هیات های سیاسی، مواضع مشترک سیاسی، مبادلات اقتصادی و تجاری و تبادل هیات های علمی و فرهنگی به ارزیابی این روابط پرداخته شود.

۴-۱-۱- برقراری روابط دیپلماتیک

ایران نخستین کشوری بود که استقلال تاجیکستان را برسمیت شناخت و سفارت خود را در دوشنبه افتتاح کر (متظمی، ۱۳۷۴: ۷۸). تاجیکها نیز به پاس قدرشناسی، خیابانی که سفارت ایران در آن واقع است را از ماکسیم گورکی پدر ادبیات شوروی سابق به خیابان تهران تغییر نام دادند. سفارت تاجیکستان در تهران ۴ سال پس از دایر شدن سفارت ایران در دوشنبه در سال ۱۳۷۴ رسماً افتتاح شد.

۴-۲-۱- تبادل هیات های سیاسی

رفت و آمد هیات های سیاسی را می توان به عنوان یکی از شاخص های مثبت یا منفی در میزان روابط دو کشور سنجید. در واقع و به طور کلی باید عنوان کرد که از زمان استقلال تا پایان یافتن جنگ داخلی در تاجیکستان روابط بین دو کشور نشان از گرمی چندان ندارد. حتی در مقطعی، تاجیکستان مانع فرود آمدن هواپیمای حامل هیات فرهنگی ایران به سرپرستی معاون رئیس جمهور وقت برای شرکت در جشن های استقلال این کشور شد (حسن نیا، ۱۳۷۶: ۱۶۲). با پایان یافتن جنگ های داخلی و تثبیت نسبی دولت مرکزی در تاجیکستان روابط این کشور با تهران بهبود یافت. بویژه اینکه ایران از سال های ۱۳۷۳ به بعد تلاش فراوان جهت آشتی ملی و برقراری صلح در تاجیکستان کرد و خود نیز میزبانی چندین دور از مذاکرات میان مخالفین و دولت تاجیکستان را بر عهده گرفت که این امر تاثیری مثبت در دوشنبه به جا گذاشت و از آن پس بارها مقامات عالی رتبه دو کشور با یکدیگر دیدار کرده اند (همان: ۱۶۳).

روزهای ۲۶ و ۲۷ مارس ۲۰۱۱/۶ و ۷ فروردین ۱۳۹۰ امامعلی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان برای مشارکت در مراسم تجلیل بین المللی عید نوروز و بررسی مسایل همکاری دوجانبه در جمهوری اسلامی ایران حضور یافت (نشریه «جمهوریت»، ۳۰ مارس ۲۰۱۰: چاپ تاجیکستان).

نیمه دوم روز ۲۷ مارس امامعلی رحمان و رهبران کشورهای دیگر با حضرت آیت الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی ایران دیدار کردند. در این دیدار مسئله گسترش همکاری‌ها میان تاجیکستان و ایران نیز بررسی شد (www.prezident.tj).

روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و کشور هم‌زبان تاجیکستان در طول ۱۹ سال پس از استقلال این کشور به گونه ای بوده که سران دو کشور آن را «راهبردی» خوانده اند. این روابط با انجام سومین سفر «محمود احمدی نژاد» رئیس جمهوری ایران به این کشور در سال ۱۳۸۸ توسعه بسیار یافت. در طول ۱۹ سال گذشته بیش از ۱۶۰ سند در تمام حوزه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی، موضوعات بانکی و بیمه و مبارزه با مواد مخدر میان دو کشور به امضا رسیده است. در این سال ها، روابط دو کشور از منظر سیاسی، ثباتی پایدار و روندی رو به گسترش را شاهد بوده و مناسبات در این زمینه از کمترین فراز و نشیب برخوردار بوده است. ۲۲ بار دیدار سران عالی‌رتبه دو کشور از پایتخت‌های یکدیگر در کنار رایزنی های مستمر در مجامع منطقه ای و بین المللی نشان دهنده عمق مناسبات سیاسی ایران و تاجیکستان است. حمایت‌های دو کشور از مواضع یکدیگر در مجامع منطقه ای و بین المللی از جمله در موضوعاتی نظیر حقوق هسته ای ایران، مسائل حقوق بشر، عضویت در نهادهای بین المللی و همچنین میزبانی تاجیکستان برای سی و هفتمین اجلاس وزرای خارجه سازمان همکاری اسلامی در ژوئن ۲۰۱۰ تداوم یافته است.

۴-۳-۱- مواضع مشترک سیاسی

در سال های اخیر با بهبود روابط بین دو کشور و به ویژه روی آوردن ایران به روابط فرهنگی و تاکید بر میراث تاریخی و تمدنی مشترک بین دو کشور و از این طریق نوعی اعتماد سازی در نزد سران تاجیک مبنی بر اینکه ایران قصد صدور انقلاب و دخالت سیاسی در این کشور را ندارد؛ شاهد نوعی همگرایی در مواضع سیاسی دو کشور در موضوعات مختلف هستیم. از جمله این موضوعات می توان به حمایت تاجیکستان از حق ایران برای داشتن انرژی صلح آمیز هسته ای اشاره کرد که می توان این فرآیند را نوعی سیر به سمت بهبود روابط و تاثیر مثبت اقدامات ایران بر روابط فی ما بین دانست.

۴-۴-۱- مبادلات اقتصادی و تجاری

با بررسی میزان مبادلات تجاری و اقتصادی بین ایران و تاجیکستان در طی زمان با افزایش هرچند اندک مواجه می شویم که به نوعی می توان آن را حاصل تاثیر مثبت روابط فرهنگی و دیپلماسی عمومی ایران بر همگرایی سیاسی دو کشور و از این طریق تقویت این نوع مبادلات دانست. برای مثال در حالیکه میزان مبادلات تجاری تاجیکستان با ایران در سال ۱۳۷۲، صادرات ۱۸ میلیون دلار و واردات ۴/۴۳ میلیون دلار را نشان می دهد اما این رقم برای سال

۱۳۷۳ صادرات ۱۸/۸۳ میلیون دلار و واردات ۷/۹ میلیون دلار را نشان می دهد (مجله بررسی های بازرگانی، ۱۳۷۵: ۲۱-۲۰). در راستای تصدیق سیر صعودی اینگونه مبادلات باید به یادداشت تفاهمی که در فروردین ۱۳۷۵ میان وزیر بهداشت و درمان ایران و همتای تاجیکی اش امضا شد اشاره کرد. طرفین توافق کردند ایران یک کارخانه سرم سازی در تاجیکستان احداث کند. قبل از این یادداشت تفاهم، ایران یک کارخانه چرم سازی در منطقه کولاب تاجیکستان احداث کرده بود (منتظلی، پیشین: ۹۱).

۴-۵-۱- تبادل هیات های علمی و فرهنگی

تمام احزاب و گروه های سیاسی تاجیکستان در سال های اخیر در همکاری با ایران متفق القول بوده اند. در واقع رفت و آمد متقابل هیات های علمی و فرهنگی به عنوان یکی از جنبه های فرهنگی روابط دو کشور به تناوب حتی در بحران جنگ های داخلی تاجیکستان میان دو کشور ادامه داشته است. هیات های علمی تاجیک بارها از مراکز علمی و دانشگاهی ایران بازدید و همتایان ایرانی شان نیز از تاجیکستان دیدار داشته اند. دانشمندان تاجیک در سمینارهای متعدد که از سوی مراکز علمی و فرهنگی و نیز وزارت امور خارجه ایران برگزار شده است، فعالانه شرکت داشته اند (حسن نیا، ۱۳۷۶: ۱۶۷). نویسندگان ایرانی نیز به تناوب از تاجیکستان دیدار کرده اند. این نویسندگان هم در داخل و هم نویسندگان ایرانی در خارج را شامل شده است. در واقع ارتباطات فرهنگی و علمی و دیدارهای مردمی بین دو کشور برغم بعضی از مشکلات رونق داشته است و مردم تاجیک نسبت به ایرانیان در مجموع دید مثبتی دارند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵/۰۲/۰۱: ۱۴). دیدار اتباع دو کشور نیز با برقراری پرواز میان دوشنبه به مشهد و تهران در نخستین سال های پس از استقلال و پس از جنگ داخلی آغاز شد و هر هفته صدها نفر از مراکز تاریخی و سیاحتی دو کشور بازدید می کنند. در واقع تاجیکها علاقه زیادی به دیدار از ایران دارند و آن را کشور دوم خود می پندارند. آموزش کادرهای اقتصادی، مالی و دیپلماتیک تاجیکستان در سال های اولیه پس از استقلال در ایران کمابیش صورت پذیرفته است (مجله آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۴: ۲۵۲). علاوه بر مسئله زبان ایران و تاجیکستان در سایر عرصه های فرهنگی از سال ۱۹۸۹ به بعد با هم همکاری نزدیک داشته اند. مبادله کتاب، فستیوال فیلم و پخش قرآن با ترجمه فارسی از آن جمله هستند (سکوت، ۱۳۷۲: ۱۷۳).

جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی ورزش نیز فعالیت هایی ارزشمند را در تاجیکستان و همینطور افغانستان به انجام رسانیده است. نمایندگان ورزش زورخانه ای بیش از ۱۰ کشور جهان: تاجیکستان، افغانستان، ایران، پاکستان، عراق، اکرائین، بلاروسی، مولداوی و لیتونی برای شرکت در دومین مسابقه بین المللی ورزش های زورخانه ای جام حکیم ابوالقاسم فردوسی که روزهای ۱۱ و ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۰ در تالار زورخانه فردوسی شهر دوشنبه برگزار

می‌شود؛ جمع آمده‌اند. در طی سال‌های پس از استقلال تاجیکستان، تاکنون رئیس‌جمهور تاجیکستان ۱۰ بار به ایران سفر کرده که آخرین آن در تیر ۱۳۹۰ و در همایش بین‌المللی مبارزه با تروریسم در تهران بود و در اثناء آن هفت مرحله سفر روسای جمهور ایران به تاجیکستان انجام شده است که هاشمی رفسنجانی یک بار؛ سید محمد خاتمی دو بار و محمود احمدی‌نژاد چهار بار به تاجیکستان سفر کرده‌اند.

۲-۴- افغانستان

۲-۴-۱- برقراری روابط دیپلماتیک

از زمان سرنگونی حکومت طالبان تا کنون روسای جمهور ایران و افغانستان چندین بار از کابل و تهران بازدید به عمل آورده‌اند. با وجود فراز و نشیب‌های بسیار در روابط بین ایران و افغانستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان و سقوط طالبان و با انتقال قدرت به حامد کرزای، به تدریج روابط رسمی بین دو کشور روبه بهبود گذاشت و بلافاصله روابط دیپلماتیک، فرهنگی و سیاسی بین دو کشور ارتقا یافت؛ به گونه‌ای که نخستین رئیس‌جمهوری که از کابل دیدار کرد، سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت ایران بود. از آن زمان تا به حال سیر روابط در عرصه‌های مختلف به سمت بهبود بوده و جمهوری اسلامی ایران کم‌کم‌های متعدد در راستای حفظ ثبات و صلح در افغانستان به این کشور ارائه کرده است (گفتگو با سید وحید ظهوری حسینی، ۱۳۹۰/۰۳/۲۳).

۲-۴-۲- تبادل هیات‌های سیاسی

جمهوری اسلامی ایران و افغانستان از زمان انتقال قدرت به مجاهدین افغان در سال ۱۳۷۱ و حتی قبل از آن به گونه‌ای غیررسمی همواره دیدارهایی را در سطح سران دو کشور انجام داده‌اند و تا زمان قبضه قدرت بوسیله نیروهای طالبان در سال ۱۳۷۴ این دیدارها ادامه داشته است (ظاهرین، ۱۳۸۴: ۴۹۵-۴۲۳). پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان و سقوط طالبان و با انتقال قدرت به حامد کرزای، به تدریج روابط رسمی بین دو کشور روبه بهبود گذاشت و بلافاصله روابط دیپلماتیک، فرهنگی و سیاسی بین دو کشور ارتقا یافت؛ به گونه‌ای که نخستین رئیس‌جمهوری که از کابل دیدار کرد، سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت ایران بود. بعد از سفر آقای خاتمی به افغانستان همواره دیدارهایی در سطح سران دو کشور انجام شده است و در سال‌های اخیر شاهد رشد این گونه روابط بوده‌ایم. ج.ا.ا. در شهر کابل دارای سفارت است و در شهرهای هرات، مزارشریف و قندهار سرکنسولگری دارد. همچنین ج.ا.ا. در کابل دارای خانه فرهنگ است (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰). <http://www.irdiplomacy.ir>

۴-۲-۳- مبادلات اقتصادی و تجاری

با سقوط رژیم طالبان در نوامبر ۲۰۰۱ اقتصاد افغانستان پس از سال‌ها رکود رو به بهبودی و رشد نهاد. گردهمایی رهبران بزرگ افغانستان در دسامبر ۲۰۰۱ در بن که به توافقنامه بن و تشکیل دولت جدید در افغانستان منجر شد؛ تلاش‌های بین‌المللی هم برای بازسازی افغانستان شروع و به کنفرانس توکیو در ژانویه ۲۰۰۲ انجامید. اجلاس بین‌المللی توکیو که با شرکت بیش از ۶۰ کشور کمک‌دهنده به امر بازسازی افغانستان تشکیل شد و مبلغ ۴/۵ میلیارد دلار برای بازسازی افغانستان طی چهار سال بعدی (تا سال ۲۰۰۶) منظور شد. جمهوری اسلامی ایران که از کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس توکیو بود مبلغ ۵۶۰ میلیون دلار جهت بازسازی افغانستان طی ۵ سال آینده اختصاص داد. همچنین پس از اجلاس کابل، ج.ا.ا. بازسازی و احداث جاده دوغارون-هرات و سپس هرات-ارملک را به عهده گرفت.

در سال‌های اخیر بویژه پس از تشکیل دولت جدید در افغانستان (۲۰۰۱) واردات افغانستان از ایران رشد فراوان یافته و انواع کالاها بویژه مصالح ساختمانی، دارو، لوازم بهداشتی، مواد شوینده، مواد غذایی، ظروف پلاستیکی، فرش ماشینی، موکت، لباس، انواع کنسرو و ... از طریق مختلف وارد افغانستان شده است. در سال ۱۳۸۳ مجموع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در افغانستان حدود ۳۵۱ میلیون دلار بود. کشورهای پاکستان، ایران، امارات، چین، کشورهای آسیای مرکزی، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در افغانستان بودند.

۴-۲-۴- مواضع مشترک سیاسی

از زمان به قدرت رسیدن مجاهدین در افغانستان، همواره بین جمهوری اسلامی ایران و این کشور دیدگاه‌های مشترک حول امور منطقه‌ای و جهانی وجود داشته است. این امر به ویژه پس از حمله آمریکا به افغانستان و روی کار آمدن حامد کرزای در این کشور و با توجه به نیازهای اقتصادی افغانستان و ضرورت حفظ نظم و امنیت در این کشور برای ایران و افغانستان، دو کشور همواره مواضع مشترک اتخاذ کرده‌اند. در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۶ مارشال محمد قسیم فهیم، معاون رئیس‌جمهور افغانستان ضمن دیدار با فدا حسین مالکی سفیر ایران در افغانستان اشاره کرد که روابط ایران و افغانستان روز به روز گسترش می‌یابد. همچنین سفیر ایران ضمن دیدار با محمد کریم خلیلی معاون دوم رئیس‌جمهور افغانستان بر گسترش و تعمیق روابط میان دو کشور ایران و افغانستان تاکید کردند (<http://www.siasatema.com>).

۴-۲-۵- تبادل هیات‌های علمی و فرهنگی

در حوزه رفت و آمد متقابل هیات‌های علمی و فرهنگی بین دو کشور ایران و افغانستان مراودات بسیار صورت گرفته است که اهم آنها در ذیل رئوس اقدامات ایران در این کشور ذکر

شد. اینک ۱۵ هزار دانشجوی افغان با ترکیب مختلف مذهبی در ایران مشغول تحصیل هستند و شمار کل دانش آموختگان دانشگاهی افغان در ایران به افزون بر ۲۰ هزار تن می رسد. ۲۷۵ هزار دانش آموز افغان نیز در مدارس ایران در کنار ۵۰ هزار دانش آموز دیگر که از جمله اتباع غیر مجاز محسوب می شوند، تحصیل می کنند. طی سه سال گذشته ۱/۵ میلیون جلد کتاب به عنوان منابع علمی و دانشگاهی افغانستان بوسیله ایران توزیع شده است. در حال حاضر در ۷ دانشگاه افغانستان، اتاق ایران شناسی دایر شده است (علیخانی، ۱۳۸۸: <http://www.inews.com>). در حال حاضر، تعداد ۱۶۷ نفر دانشجوی افغانی در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل هستند که در این بین تعداد ۱۲ نفر از طریق آزمون سراسری، ۳۰ نفر بورسیه وزارت علوم و بقیه به صورت غیر بورسیه و یا با هزینه شخصی خود مشغول تحصیل شده اند (اداره امور دانشجویان خارجی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰: *مراجعه حضوری*).

۵- نتیجه

تغییر شرایط و مطرح شدن مولفه های جدید و تاثیر گذار در عرصه بین المللی باعث شده است تا کشورها برای پیشبرد هر چه بهتر منافع ملی خود ابزارها و سیاست‌هایی جدید تعریف و به کار ببرند. در واقع انقلاب ارتباطات و گسترش وسایل ارتباط جمعی از یک طرف و فعال شدن بازیگران غیردولتی مانند سازمان های غیردولتی، نهادهای مدنی و شرکت ها از سوی دیگر به نقش یافتن بیش از پیش افکار عمومی به عنوان یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری های کشورها در حوزه های گوناگون منجر شده است. در این میان از جمله ابزارهای محوری در سیاست خارجی کشورها که فرض اصلی خود را بر اهمیت افکار عمومی بنا نهاده، دیپلماسی عمومی است. از سوی دیگر، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در روابط بین کشورهایی که دارای اشتراکات تاریخی و تمدنی متعددی با یکدیگر هستند؛ از اهمیتی مضاعف برخوردار است.

جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اصول انقلابی و اعتقادی خود همیشه رویکرد توجه به ملت ها و افکار عمومی جهانی را مدنظر داشته و در رابطه با کشور های افغانستان و تاجیکستان نیز از زمان شکل‌گیری دولت مرکزی واحد در این کشورها همواره با اقدامات متعدد درصدد تامین منافع ملی خود از رهگذر افکار عمومی کشورهای هدف بوده است. به گونه ای که بکارگیری دیپلماسی عمومی در روابط ایران و این کشورها توانسته است تأثیراتی مثبت بر سطوح چهارگانه روابط - سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی - با آنها داشته باشد. در این پژوهش تلاش شد این تأثیرات مثبت با محور قرار دادن پنج شاخص برقراری روابط دیپلماتیک، رفت و آمد متقابل هیات های سیاسی، مواضع مشترک سیاسی، مبادلات اقتصادی و

تجاری و رفت و آمد متقابل هیات های علمی و فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد. لذا ملاحظه می شود که با توجه به تفاوت نظام های سیاسی حاکم بر دو کشور افغانستان و تاجیکستان با ایران، همواره این دیپلماسی عمومی ایران بوده است که مانع قطع کامل این روابط گردیده و حتی سیر صعودی روابط را نیز باعث شده است. هر چند نباید تمامی این موارد را معلول اقدامات برنامه ریزی شده ایران دانست؛ کما اینکه بخش اعظم این موفقیت مدیون بستر مساعد این کشورها و پیوندهای تاریخی، جغرافیایی، تمدنی، فرهنگی، مذهبی و ... بین ایران و این کشورها بوده است.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. آشنا، حسام الدین (۱۳۸۳)، «فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی: ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی». دانش سیاسی، شماره ۲۱، بهار.
۲. اصغریان کاری، زینب (۱۳۸۹)، «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه». دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
۳. **مراجعه به اداره امور دانشجویان خارجی دانشگاه تهران، خردادماه ۱۳۹۰، مراجعه حضوری.**
۴. بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی لبنان، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵. بیات، فرهاد (۱۳۸۹)، مناسبات و اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول: نهادها و مراکز فرهنگی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۶. ----- (۱۳۶۵)، روابط فرهنگی ایران با سایر کشورها، تهران: وزارت امور خارجه، اداره روابط فرهنگی و بورس ها.
۷. پور احمدی، حسین و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، دیپلماسی نوین، جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۸. حسن نیا، سید محسن (۱۳۷۵)، «نقش فرهنگ در روابط ایران با تاجیکستان». دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۶-۱۳۷۵.
۹. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
۱۰. داداندیش، پروانه و احدی، افسانه (۱۳۹۰)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، صص ۱۷۳-۱۴۳.
۱۱. دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۰)، «بگومگوهای هیات افغانی با مسئولان ایرانی»، قابل دسترسی در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۹۰، به آدرس: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/58/bodyview/15035>
۱۲. رسولیان، قهار (۱۳۸۲)، نگاهی به روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان، دوشنبه: انتشارات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۱۳. سکوت، محمد رضا (۱۳۷۲)، «مواضع سیاسی متقابل ایران و تاجیکستان». تهران: دانشکده علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع).
۱۴. طنین، ظاهر (۱۳۸۴)، افغانستان در قرن بیستم ۱۹۹۶-۱۹۰۰، تهران: عرفان.
۱۵. گفنگو با سید وحید ظهوری حسینی، رئیس بنیاد علمی - فرهنگی کوثر (افغانستان) در تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۲۳.

۱۶. گفتگو با مظفر علیخانی، دبیر کل اتاق مشترک ایران و افغانستان، آذرماه ۱۳۸۸، قابل دسترسی به http://www.inews.com/fa/news_view.php?mod=5&cat=15&cat=1389&month=09: آدرس.
۱۷. منتظمی، رویا. (۱۳۷۴)، کتاب سبز تاجیکستان، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۸. متولی، سید احمد. (۱۳۸۸)، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی انگلستان در جمهوری اسلامی ایران». تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۹. نای، جوزف. (۱۳۸۳)، «قدرت نرم». ترجمه محمود عسگری، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره شش، زمستان، ۱۳۸۳-۱۴۷.
۲۰. ----- (۱۳۸۲)، مزایای قدرت نرم، همشهری دیپلماتیک، تیرماه، شماره ۵۶.
۲۱. ----- (۱۳۸۳)، «کاربرد قدرت نرم». ترجمه سید رضا میر طاهر، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره شش، زمستان.

ب. خارجی:

1. Barston, R.P. (2006), **Modern Diplomacy and International Relations**, London: Pearson Education LKO.
2. Coulombis, Theodoro & Wolf, James. (1981), **International Relation: Power and Justice**, New Jerse: PrenticHall.
3. Plano, Jack and Oltan, Roy. (1988), **The International Relation Dictionary**, London: Longman Publication.
4. Sharp, Paul. (2005), **Revolutionary States, Outlaw Regimes and the Techniques of Public Diplomacy, The New Public Diplomacy Soft Power in International Relation**, Edited Jan Melissen, Hampshire: Palgrave.
5. Wolf, Charles and Rosen, Brian. (2004), "Public Diplomacy: How to Think about and Improve It", The RAND. www.rand.org/pubs/Occasional-papers/2004/RAND-Op134.pdf (accessed August 15.2007).
6. <http://www.softpower.com/>.
7. <http://www.prezident.tj/>.
8. <http://www.siasatema.com/>.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- "برخی مسائل نظری و روندهای تجربی در مطالعه میانجی‌گری موفق در روابط بین‌الملل"، ش ۴۳، بهار ۷۸- "جهانی شدن اقتصاد و پیامدهای آن بر سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران"، دوره ۳۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶ - "بررسی نقش حل و فصل منازعه در روابط بین‌الملل"، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷؛ "سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ا. در دستیابی به قدرت برتر منطقه ای"، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸؛ "هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹؛ "آسیب شناسی مواضع ج.ا.ا. ایران نسبت به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از منظر ساختار- کارگزار"، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰؛ "رویکردهای نوین تصمیم‌گیری در سیاست خارجی"، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰.